



اوقات

ویژه فرهنگ و معارف رضوی

| سال اول | ویژه نامه ۱۸۷ |

حجت الاسلام ناصر رفیعی

در نشست مجازی «ایران جوان بمان»:

مسئله افزایش جمعیت

با شعار و حدیث خوانی

حل نمی‌شود

۲



آیت‌الله‌علیدوست:

دوگانه‌سازی بین مراجع و رهبر انقلاب به ضرر کشور است

۳

حجت‌الاسلام احمد رهدار در برنامه جهان آرا مطرح کرد

ظرفیت‌های دیده نشده

تریبون نماز جمعه

۲

نمایش جدیدترین آثار اهدایی

به رهبرانقلاب در موزه حرم رضوی

۴

ورود شرکت فناوری و نوآوری رضوی

به صنعت‌پویانمایی

۴

وقف و نذر

قائم مقام تولیت آستان قدس رضوی:

صیانت از موقوفات «ملک» حفظ بخشی از هویت تاریخی و ملی ماست



قائم مقام تولیت آستان قدس رضوی و رئیس بنیاد بهره‌وری موقوفات با اشاره به جایگاه فرهنگی و اجتماعی حاج‌حسین ملک در ترویج سنت حسنه وقف گفت: صیانت از موقوفات حاج‌حسین ملک، حفظ بخشی از هویت تاریخی و ملی ماست.

به گزارش آستان‌نیوز، مالک رحمتی در مجمع سالیانه کتابخانه و موزه ملک اظهار کرد: در حوزه اداره سازمان‌ها و مواردی که مستقیماً با عواید موقوفاتی مرتبط هستند، علاوه بر عمل دقیق به نیت واقف که به صورت صریح در وقف‌نامه ذکر شده، توجه ویژه به مسائل حقوقی از اهمیت فراوانی برخوردار بوده و از اصول ضروری صیانت از موقوفات است.

رحمتی از حاج‌حسین ملک به عنوان چهره ماندگار فرهنگ وقف نام برد و افزود: حفظ بخشی از هویت ملی و تاریخی ما در گرو صیانت از موقوفات حاج‌حسین ملک به خصوص مجموعه قابل توجهی از کتب و نسخ خطی، اشیای تاریخی و دیگر آثار نفیس وقف شده توسط ایشان است که ما از هیچ کوششی در این کار دریغ نخواهیم کرد. رحمتی همچنین بر ایجاد بسترهای جدید و نوین و فناوریانه در بهره‌مندی از این موقوفات، استمرار در عمل دقیق به وقف‌نامه‌ها، رعایت نکات شرعی وقف و توجه ویژه به مسائل حقوقی موقوفات تأکید کرد.

فیلم‌کلت زندگی



رزقتان سبز!

رقیه توسلی | به اعتقاد من پاییز خزر،

هزار کتاب نانوشته است. شبیه‌اش جایی پیدا نمی‌شود. می‌روی می‌نشینی کناری و می‌بینی مردانی با تور و تراکتور و بادگیر می‌آیند و دل می‌زنند به آب. برای روزی خودشان. برای من و تو که سفرهمان مزه دریا بگیرد.

باد موافقی می‌وزد. مثل هر بار نشستهام به دیدن. کار دیگری از دستم ساخته نیست. فوق فوقش تمام زورم را بزنم و گاهی هم گوش باشم. گوش شنوا. اما واقعاً یک وقت‌هایی محکومی به تماشا. فقط اجازه داری نگاه

کنی. یعنی خیلی باید نگاه کنی. ساعت‌های متوالی. آن قدر که در نهایت چشم درد بگیري و دلت برای ماهیگیر خیس و خسته بسوزد. آن قدر که هی زیبایی دریا و رنج صیاد، تضاد ایجاد کند برایت. اصلاً بیفتی توی تور لحظات. ببینی قایقشان شکل گهواره تاب برمی‌دارد آن وسطها و خودشان پریده‌اند پایین. دو سه کیلومتری دریا. دارند جاکیر می‌شوند توی موج‌های ریز و آرام. ببینی شغل آبا و اجدادی عده‌ای چطور سر از آب درمی‌آورد. ببینی دلبخواهی نیست و گاهی باید سفت بچسبی به ریسمان و

سرب و سرما و نان خانواده‌ات را از شکم آب بیرون بکشی. ببینی شمال چقدر زیبا و زحمتکش و حلال‌خور است. نشستهام به تماشای آن‌هایی که گلایه‌ها و درددل‌هایشان را قبلاً شنیده‌ام. مثلاً می‌دانم «سپیل» نامی که می‌شنیدند پشت تراکتور کیست و چه بر او گذشته. که دردبست جیب خالی که این شغل پُرش نمی‌کند! جناب «احمد» تورکش تیم که درآمدش کفاف پنج سر عائله‌اش را نمی‌دهد و خجالت‌زده زن و بچه‌اش است! یا آقا «میرعلی» که با پسر و برادرش در تعاونی مشغول بودند و امسال تک و تنهاست! یا

«عرفان» که بعد سه سال و نیم نامزدی، همسرش قصد متارکه دارد. چون او هنوز دستش تنگ است! نشستهام وسط قصه‌های گاه تلخی که دوره‌ام کرده‌اند. به تماشای صیادهای از کت و کول افتاده‌ای که انگار با چشم‌هایشان دارند از کفال‌ها و سفیدها سؤال می‌کنند؛ بالاغیرتاً بقیه دوستانانتان کجا تشریف دارند؟

پی‌نوشت: اِنَّ اللّٰهَ هُوَ الرَّزَّاقُ ذُو الْقُوَّةِ الْمَتِّينِ

همانا خداوند روزی‌دهنده صاحب قوت و قدرت است.

نگاهی به زندگی و زمانه آیت‌الله

قاضی طباطبایی، نخستین شهید محراب

خمینی آذربایجان

آیت‌الله سیدمحمد علی قاضی طباطبایی امام جمعه فقید تبریز و اولین شهید محراب است که در دهم آبان ۱۳۵۸ شمسی، در روز عید قربان توسط منافقین به شهادت رسید. او پس از اقامه نماز عید در راه مراجعت به منزل ترور شد. فرزندش سیدمحمد حسین در گفت‌وگو با نشریه شاهد یاران ماجرای ترور ایشان را این‌گونه روایت می‌کند: «نماز عید قربان خوانده شد. سپس چند کیلومتری راهپیمایی شد. آقا خسته بودند و گفتند نماز شب نمی‌روم و خسته هستم.

روز جمعه بود و محافظان آقا یکی رفت منزل، یکی رفت استراحت کند... گروه فرقان هم دو سه هفته‌ای مراقب بودند ببینند آقا کی تنها می‌آیند که همان شب مسئله ترور پیش آمد». ما در چهل و دومین سالگرد این اتفاق، نیم‌نگاهی به زندگی و زمانه این امام جمعه فقید و نخستین شهید محراب پس از پیروزی انقلاب اسلامی داشته‌ایم. امام جمعه شهید از سادات طباطبایی به شمار می‌رود که نسبشان از طریق ابراهیم طباطبا به امام حسن مجتبی(ع) می‌رسد؛ کسی که خود از یاران امام صادق(ع) است و به تشکیل حکومت توسط اهل بیت(ع) اهتمام دارد. به هر ترتیب با گذشت زمان، گروهی از سادات نسل وی به اصفهان کوچ می‌کنند و امیرعبدالغفار از همین سلسله، به دعوت یکی از...



منبرمجازی

نمکِ آخرت

حجت‌الاسلام پناهیان: خانومتون برای شما آش درست کرده، گذاشته سر سفره. رسیدی خونه، اعصاب خرد، خسته، آدم گرسنه هم که استعداد عصبانی شدنش دو برابر حالت عادی...، قاشق رو می‌زنید که آش رو میل بفرمایید، می‌بینید په ذره نمک نداره. آقا می‌خواهی چه کار کنی حالا؟ چند تا گزینه هست ببینیم کدامش رو علامت می‌زنیم؟ گزینه اول... آدم داد و بیداد کنه که این چه غذاییه... خجالت نمی‌کشی؟ بعد هم شروع کنه فحشایی که از بچگی‌اش تا حالا یاد گرفته، همه رو لیست کنه! خب این خیلی زشته... اصلاً چرا ما همچین گزینه‌ای رو مطرح کنیم؟ گزینه دوم... آدم مشه من یک منبر اخلاقی مفصل بره که خانومش غرق خجالت و نمی‌دونم پشیمانی بشه... له کنه خانوم رو با نصیحت‌های خودش. با سرزنش‌های خودش. گزینه سوم، اصلاً آدم لال‌مونی بگیره... هیچی هم‌نگه... هی این جوری چشم‌غره بره... این خویه... خب خانوم می‌گه بابا همون فحش‌ها رو بده ما رو خلاصمان کن... تو رو خدا چهره خودت رو باز کن... «عوبسا قمطریرا» شدی... هیچ کدوم از اینا رفتارهای یک مؤمن نیست. رفتار مؤمن می‌دونی چه جوهره؟ اینجوری که آقا بگه خانوم میشه لطفاً به لیوان آب مرحمت کنین?... خانوم که میره برای شوهر با‌اخلاقش آب بیاره... آقا نمک رو برمی‌داره از سفره می‌ریزه توی ظرف غذای خانم که وقتی خانوم برگشت و خواست آشش رو بخوره، متوجه نشه بی‌نمک بوده و از شوهرش خجالت بکشه... البته تا می‌خواد برای خودش نمک بریزه خانم برمبگرده و فرصت نمی‌کنه... اون وقت خانم میاد اینجا شروع می‌کنه آش خوردن، می‌گه بُه! ببین مامانت هم این جوری غذا برات درست نمی‌کرد... آقاهه هم داره آش بی‌نمک رو می‌خوره... اینجا من اجازه میدم یک دانه مناجات با خدا بکنه این آقا. آقای مظلومی که داره آش بی‌مزه و بدمزه رو می‌خوره به روی خودش نمیاره.

دعا کنه که خدايا من آبروی یک بنده تو رو برای کم‌نمک بودن آشش سر یک سفره نریختم... تو هم روز قیامت هر چی نمک توی پرونده آش و اعمال من کم بود، آبرومو جلو پیغمبر ببر... اگه این آقا با همین یک دونه عمل رفت بهیشت، اصلاً تعجب نداره... اگه با همین یک دونه، خیلی ساده، با یک دونه عمل یک دفعه‌ای خدا همه گناه‌های این آقا رو بخشید اصلاً تعجب نداره... .



